

علامه استاد محمد تقی جعفری (ره) به نگارش در آمده است، تلاش می‌شود تا ضمن مروری به دوره‌های مختلف زندگی پر بار علمی استاد به بعضی از ویژگی‌های سازنده شخصیت این اندیشمند فرزانه اشاره گردد. امید که جوانان برومند ایران اسلامی از طریق تداوم به تلاش‌های علمی و فرهنگی امثال علامه جعفری، زمینه رشد و تعالی و همه جانبه جامعه اسلامی را فراهم سازند.

الف: زندگی نامه استاد

استاد جعفری در این باره خود می‌گوید: من در مرداد ماه سال ۱۳۰۴ (ه. ش) در کانون گرم خانواده‌ای با صفا، اما پایین از نظر سطح اقتصادی متولد شدم. پدرم درس نخوانده بود. ولی از نظر وارستگی و تقوی و صدق نمونه بود. از پیرمردهای تبریز شنیدم که می‌گفتند: از پدرم دروغ نشنیده بودند. این را روزی از پدرم پرسیدم. ایشان گفت: پله یادم نمی‌آید از سن بلوغ به این سو دروغ گفته باشم.... مادرم از سادات علوی یکی از خاندان بزرگ تبریز به شمار می‌آمد... او، بر خلاف پدرم، با سواد بود نخستین بار وی قرآن را به من یاد داد. حدود شش ساله بودم که به مدرسه رفتم. تحصیلات ابتدایی را در دبستان اعتماد آغاز کردم و از آن جا که قبل از ورود به مدرسه نزد مادر مقداری درس خوانده بودم، آمادگی برای رفتن به کلاس بالاتر را داشتم. بنابراین، در کلاس اول امتحانی از من گرفتند و مرا به کلاس سوم فرستادند. کلاس چهارم و پنجم را نیز در همین مدرسه گذراندم. ولی پیش از ورود به کلاس ششم، مسائلی پیش آمد که مجبور شدم دبستان را رها کنم. (۱) پس از رها کردن درس، گویا یک شب در خواب صحبت می‌کردم که پدرم بیدار بود و می‌شنود که من شعری خواندم که مضمون آن این بود: «مراد و هدف و مقصود ما را که علم بود، روزگار از دست ما گرفت» وقتی بیدار شدم، پدرم گفت: «در خواب چه می‌دید؟» گفتم: در خواب از این که از درس محروم شدم ناراحتی داشتم، پدرم گفت: با برادر بزرگت بروید درستان را ادامه بدهید. چون مدتی بود که از نظر روحی به دروس الهی و معنوی علاقه بیش تری پیدا کرده بودم، به مدرسه «طالبیه» رفتم. در آن جا دروس سطح مقدماتی حوزه و ادبیات را در نزد استادان بزرگواری چون سید حسن شربینانی، میرزا علی اکبر اهری، میرزا ابوالفضل سرابی و... خواندم. در این ایام، هم کار می‌کردم، هم درس می‌خواندم. مدت‌ها تا ظهر کار می‌کردم وبعد از ظهرها به مدرسه طالبیه می‌رفتم. و گاهی به عکس، بعد از ظهر کار می‌کردم، صبح‌ها درس می‌خواندم. (۲)

پس از مدتی تحصیل در مدرسه طالبیه تبریز، علاقه عجیبی به هستی‌شناسی پیدا کردم و چون در تبریز به حد کافی نبود، به تهران آمدم. مقداری از متن رسائل و مکاسب مانده بود که در تهران خواندم. هم چنین در

امروزه همه اندیشمندان و صاحب نظران مسایل اجتماعی به این حقیقت تأکید دارند که از طریق بررسی نوع برخورد و کم و کیف بهره‌برداری مردم جوامع مختلف از سرمایه‌های مادی و معنوی خود می‌توان دور نمای آینده جوامع را از نظر پیشرفت و تعالی و یا انحطاط و عقب ماندگی به صورت بسیار دقیق پیش بینی کرد.

بر این اساس، استفاده مناسب از دست آوردهای فکری و فرهنگی اندیشمندان بزرگ و دانشمندان متعهد، در دست یابی به اهداف اجتماعی و پیشرفت‌های لازم علمی و فرهنگی و نیز در مبارزه با پیش آمدهای ناگوار اجتماعی و... بسیار مفید و مؤثر می‌باشد. از جمله ابعاد مؤثر شخصیت بزرگان عرصه علم و اندیشه، خصایص روحی و ویژگی‌های اخلاقی و سیره زندگی آنهاست. این بخش از شخصیت انسان‌های برجسته، به ویژه از نظر آموزشی و تربیتی در همه اقشار بویژه قشرهای جوان بسیار مؤثر است.

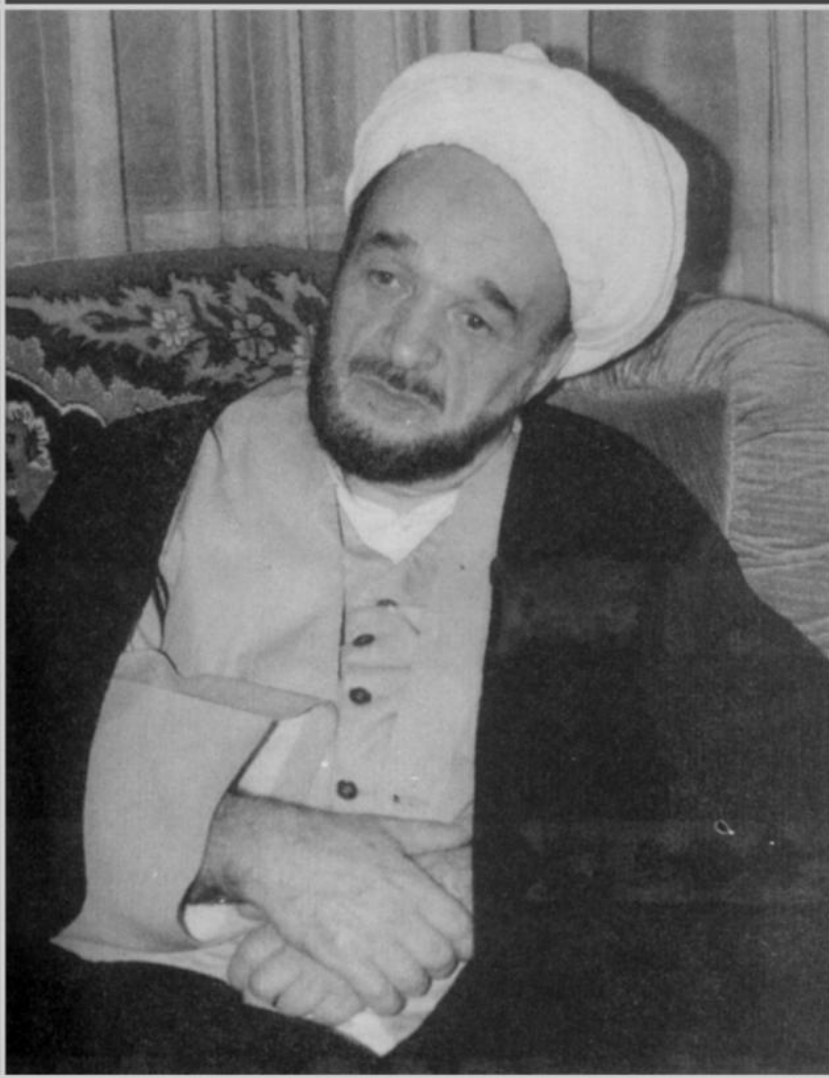
در این مقاله، که با هدف فکر داشت و خاطره

مشعل دار بزرگ فرهنگ و اندیشه اسلامی علامه محمد تقی جعفری

سید صادق سید نواز

اوصاف اخلاقی و ویژگی‌های خاصی بودند که وجود این صفات و خصوصیات، وی را از سایر افراد ممتاز می‌ساخت. از آنجا که آشنایی با این ویژگی برای علاقمندان به فضیلت‌های انسانی و کمالات علمی و معنوی و کاروانیان عرصه علم و اندیشه مفید و آموزنده است نگای گذارا به برخی از آنها می‌افکنیم.

علاقه به علم و دانش



و فقه را عهده دار شوند، اما در زمینه‌های دیگر چنین چیزی وجود ندارد. از این رو، من وظیفه خود دیدم که خلاصه‌های دیگر را پر کنم.^(۶) از این تاریخ به بعد، استاد از طریق تألیف و نگارش کتاب‌های ارزشمند و انجام سخنرانی‌های مفید و آموزنده، به ارشاد مردم و دفاع از کیان فرهنگ اسلامی و بین احکام و آموزه‌های دینی مشغول شدند. ره آورد این دوره پر بار از عمر گران قدر

درس‌های مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد رضا تنکابنی و آقا میرزا مهدی آشتیانی، و... شرکت می‌کردم.^(۳) استاد جعفری پس از حدود سه سال اقامت در تهران در سال ۱۳۳۵ به حوزه علمیه قم مشرف شده و حدود یک سال در آنجا مشغول تحصیل می‌شوند و از محضر بزرگانی چون آیت الله سید محمد تقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمری، سید صدرالدین و امام خمینی (ره) و... مستفیض می‌گردد. روزی نامه‌ای از برادرش دریافت می‌کند که مادر مریض است و بیا و او را ببین. وقتی استاد جعفری خود را به تبریز می‌رساند، معلوم می‌شود مادر ده روز پیش از رسیدن نامه به دست وی از دنیا رفته است. از این رو، بسیار متأثر می‌شود... پس از مدت کوتاهی اقامت در تبریز، در سال ۱۳۳۰ (ه. ش) به اصرار آیت الله میرزا فتاح شهیدی رهسپار نجف می‌گردد. استاد در این باره می‌گوید: عمده محرک من برای رفتن به نجف مرحوم شهیدی شد. یاد می‌آید مقداری از وسایل راه را هم ایشان فراهم کرد.^(۴) در نجف، استاد علامه جعفری به مدرسه صدر وارد می‌شود و بار دیگر، جلد دوم کفایه آخوند خراسانی را مطالعه و بحث می‌کند و در درس‌های خارج آیات عظام شیخ محمد کاظم شیرازی، آیت الله خویی، آیت الله سید محمود شاهرودی، آیت الله حکیم و آیت الله سید جمال گلپایگانی و آیت الله سید عبد الهادی شیرازی و آیت الله میلانی شرکت می‌کند و به موازات شرکت در درس‌های خارج، اصول و فقه، در محضر استادان بزرگی چون آقا شیخ صدرا قفقازی و آقا شیخ مرتضی طالقانی به فراگیری دروس فلسفی و عرفانی مشغول می‌شود. پس از سه سال تحصیل در نجف اشرف، در سن ۳۳ سالگی موفق به دریافت درجه اجتهاد از سوی آیت الله شیخ کاظم شیرازی می‌شود.^(۵) در مجموع، حدود هفده سال در نجف اقامت می‌کند. در این مدت علاوه بر تحصیل، به تدریس خارج فقه و اصول و دروس فلسفه و معارف و نگارش کتاب مشغول می‌شوند. سرانجام پس از پایان تحصیلات و تکمیل معلومات، عازم ایران می‌گردد. پس از بازگشت به ایران، در قم به خدمت آیت الله بروجردی شرفیاب می‌شود. ایشان از استاد می‌خواهد تا در قم بماند و به تدریس بپردازد. از آنجاکه آب قم با مزاج وی سازگار نبود، عازم مشهد می‌گردد. پس یک سال اقامت در مشهد به تهران بر می‌گردد و پس یک سفر دیگر به نجف، به توصیه استادان بزرگوارش دوباره به ایران برمی‌گردد و پس از بررسی نیازهای موجود علمی و فکری و فرهنگی جامعه، به جای تدریس فقه و اصول... به کار پاسخ‌گویی به شبهات جوانان و تحقیق و تألیف می‌پردازد.

استاد در این باره می‌گویند: پس از مراجعت به ایران، دیدم که به فقه و اصول به اندازه کافی توجه شده است ولی این جوان‌ها سرگردانند! احساس تکلیف کردم. دیدم تقریباً به حد کافی افراد هستند که تدریس اصول

از همان دوره کودکی عشق به تحصیل علم به صورت کیم نظیری در وجود استاد شکوفا شده بود. به گونه‌ای که اولاً، برای تحصیل علم متحمل هر نوع محرومیت و سختی می‌شد و ثانیاً، در مواقع خاصی وقتی در راه ادامه تحصیل او موانعی ایجاد می‌شد، از این پیشامد بیش از اندازه متأثر و غمگین می‌گردید. خود ایشان در قالب خاطراتی در این باره می‌گویند:... به من در مسیری که آمدم، خوش گذشت و خداوند محبت کار را در درون من به وجود آورده بود. من به اندازه‌ای به علم علاقه پیدا کرده بودم که فکر می‌کردم اگر معلومات لازم را به دست

استاد جعفری، نگارش بیش از صد جلد کتاب و صدها مقاله و سخنرانی و... است که هر یک در حد خود به رشد و تعالی فرهنگ و اندیشه‌های الهی کمک می‌کنند و تشنه‌گان معارف اسلامی را سیراب می‌سازند. بدین وسیله، پس از عمری خدمت به رهروان علم و حقیقت در روز پنج شنبه ۲۵ آبان سال ۱۳۷۷، جان به جان آفرین تسلیم کرد و دوستان علم و ایمان را در سوگ جان سوز خویش عزادار ساخت.

ب: مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیت استاد

علامه بزرگوار آیت الله محمد تقی جعفری، دارای

نیاورم، حیات من ناقص است. برای همین، مسیر زندگی را این گونه طی کردم و اگر هم چنین امکانی فراهم شود باز هم همین مسیر را انتخاب می‌کنم. البته، سعی خواهم کرد اشتباهات گذشته تکرار نشود... واقعاً عاشق علم و یادگیری بوده‌ام...^(۷)

یکی از فرزندان استاد در این باره خاطره‌ای از زبان وی نقل می‌کنند: سرمای تبریز معروف است. پدرم می‌فرمودند که ما وضعیت مالی مناسبی نداشتیم. کفش هایمان سوراخ بود و لباس هایمان نامناسب. از آن طرف، سرما و یخبندان تبریز زیاد بود. اما چون عشق درس در دلمان جوشان بود، هم چنان به دبستان می‌رفتیم. یک روز پلیس جلویمان را گرفت و گفت: در این سرما با این سر و وضع نامناسب کجا می‌روید؟ گفتیم: می‌رویم درس بخوانیم. او دست من و برادر را گرفت و آورد در خانه و به مادرم گفت: اینها را در این سرما کجا می‌فرستید؟ این بچه‌ها یخ می‌زنند مادرم گفت: چکار کنیم؟! به درس خواندن علاقه دارند و با جدیت دنبال می‌کنند و من نمی‌توانم جلودارشان باشم. پلیس چیزی نگفت و رفت و ما از درز در خانه نگاه کردیم وقتی که او کاملاً دور شد، من و اخوی دوباره عازم مدرسه شدیم.^(۸)

اخلاص در عمل

کسانی که از نزدیک با استاد جعفری حشر و نشر داشتند اذعان دارند که مهم‌ترین ویژگی شخصیت اخلاقی وی اخلاص و تقوا بوده است. نقل شده وقتی کسی به ایشان می‌گفت: آرزویم این است که همانند شما در علم و دانش مشهور شوم، استاد با آرامش و ثباتی خطاب به او می‌گفت: فلانی! بهتر است انسان گمنام بماند، چرا گمنام بودن هیچ گاه از عظمت آدمی چیزی نمی‌کاهد. مهم این است که آدمی به تمام حقایق دست یابد. مهم این است که آدمی قدمی که بر می‌دارد، توأم با اخلاص باشد.^(۹) یکی از نتایج اخلاص مرحوم استاد جعفری این بود که مردم به او علاقمند بودند. در این باره از خود ایشان نقل شده است: روزی در پاچنار تهران راه می‌رفتم. یکی از فضلاء اهل علم مرا دید و گفت: آقای جعفری تو وضع مالی‌ات که خوب نیست تا حوائج مردم را بر طرف کنی، پست و مقامی هم که نداری، فقط یک طلبه با سواد و پر کار هستی همانند خیلی از طلبه‌های دیگر! با این حال، تعجب می‌کنم که تو این اعتبار اجتماعی را از کجا آورده‌ای که مردم این قدر به تو علاقه دارند؟ گفتم: در کارهایم یک ذره هم خدا را در نظر گرفته‌ام و ذره‌ای از کارهایم برای اوست.^(۱۰)

مقام معظم رهبری در دیدار خانواده استاد جعفری در باره ایشان فرمودند:... من وقتی تشییع جنازه‌ی ایشان و این هیجان مردم و کارهای گوناگون دیگر را دیدم، گفتم واقعاً این اثر اخلاص بود و اثر اخلاص همین است. وقتی کسی کاری را محض رضای خدا و بر خاطر اهدافی مقدس انجام می‌دهد، خدای متعال هم نمی‌گذارد که

بار او بر زمین بماند و ضایع بشود و بلافاصله پاداش آن را می‌دهد...^(۱۱)

صبر و بردباری

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های استاد محمد تقی جعفری، صبر و بردباری کم نظیر در راه تحصیل علم بود. وی، علی‌رغم مواجه شدن با انواع مشکلات و سختی‌ها در راه علم، به ویژه فقر و مشکلات مالی، از دنبال کردن آموزش علم و دانش دست برنداشت. به گونه‌ای که حتی در دوران کودکی و نوجوانی برای این که تنگ دستی خانواده مانع ادامه تحصیل او نشود، نصف روز در بازار کار می‌کرد و نصف دیگر روز به تحصیل می‌پرداخت. این کار را حتی پس از رفتن به نجف نیز انجام می‌داد تا به تکمیل تحصیلات موفق شد. خاطراتی که از استاد

کسی به ایشان گفت:
آرزویم این است که همانند
شما در علم و دانش مشهور
شوم.

استاد با آرامش و ثباتی
خطاب به او می‌گفت:
فلانی، بهتر است
انسان گمنام بماند.

جعفری در زمینه تحمل مشکلات مالی در زمینه ادامه تحصیل نقل شده است، بسیار حیرت‌انگیز است. از جمله ایشان می‌گویند:... در دوران تحصیل در قم دو شبانه روز بود که برای غذا چیزی نداشتیم. بالاخره، احساس وظیفه شرعی کردم که بروم از همان بقال که دائماً از او مواد غذایی می‌خریدم، مقداری برنج و روغن و خرما بگیرم. روز سوم رفتم به همان بقال گفتم، یک کیلو برنج و یک سیر روغن و هفت سیر خرما بده. بقال آنها را کشید و به دست من داد. گفتم: وجه این‌ها را دو سه روز دیگر می‌آورم. بقال گفت: من نسیه نمی‌دهم و آنها را از من گرفت... من برگشتم و عصر آن روز، که بی حالی بر من غلبه کرده بود. طلبه‌ای که همسایه من بود، کتاب معالم را آورد، و صفحه‌ای را باز کرد و گفت: من در اینجا

اشکالی دارم، من گفتم: فعلاً حالم مقتضی نیست. گفت: من ناهار نخورده‌ام، کته پخته‌ام. برویم حجره با هم ناهار بخوریم و شما اشکال مرا حل کن. با هم رفتیم. ایشان کته را پخته و خرما را خورشت کرده بود. ناهار خوردیم و اشکال او را هم بر طرف کردم. من از این نمونه‌ها در دوران طلبگی زیاد داشتم.^(۱۲) در جایی دیگر، به مناسبت دیگر می‌گویند: در این دوران از نظر معاش سخت می‌گذشت. هم مسأله معاش بود و هم مسائل دیگری که موجب ناراحتی‌ها می‌شد. اینها واقعاً زیاد بود. ولی علاقه من هم (به تحصیل علم و کسب معرفت) شدید بود و همه شدیداً را انسان هضم می‌کرد...^(۱۳)

جامعیت معلومات

از دیگر مشخصه‌های استاد، برخورداری از جامعیت علمی و گستردگی معلومات است، از آنجایی که انجام شایسته رسالت مرزبانی از حقایق دینی، به توانمندی‌های علمی در رشته‌های گوناگون نیاز دارد، استاد این صلاحیت را به صورت شایسته از طریق کسب معلومات در زمینه‌های گوناگون علمی، فلسفی و دینی و حتی روان‌شناس و جامعه‌شناسی و حقوق به دست آورده بودند. این حقیقت را، مجموعه آثار به جای مانده از آن علامه فرزانه به خوبی تأیید می‌کند؛ چرا که برخی از آثار گرانسنگ استاد به فلسفه و برخی دیگر به عرفان و بعضی به فقه و بعضی دیگر به ادبیات فارسی و عربی و تعدادی نیز به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و تاریخ و... مربوط می‌شود. وی در دوران طلبگی از طریق مطالعه آثار مختلفی که در کشورهای اسلام منتشر شد، با اندیشه‌های متفکران برجسته غرب و شرق کاملاً آشنا بودند، به گونه‌ای که وقتی در زمانی که حدود ۳۳ سال داشتند، دست به تألیف کتاب ارزشمند «ارتباط انسان» و جهان زدند در تهیه و تدوین و نگارش این اثر به حدود دو هزار و پانصد جلد کتاب در زمینه‌های مختلف علمی و فلسفی مراجعه نمودند. کمتر کسی در این سن و سال، می‌تواند از این چنین مطالعات وسیعی برخوردار باشد.

استقلال فکری

یکی از ابعاد شخصیت استاد برخورداری از استقلال در اندیشه تفکر است. وی به دلیل روحیه آزاد اندیشی که داشتند، علی‌رغم مواجه شدن با تفکرات بزرگ و اندیشمندان توانا، هرگز تحت تأثیر آنان واقع نشده، همواره به تحلیل و نقد و بررسی نظریه و دیدگاه‌های متفکران برجسته پرداخت. این شهامت علمی آن هم، به این صورت در کمتر اشخاصی یافت می‌شود. استاد جعفری نه تنها خود چنین ویژگی داشت، بلکه در کلاس‌های درس، مجامع علمی، سایر دانش پژوهان را نیز به داشتن استقلال فکری ترغیب می‌کرد. به علاوه وی همواره از بیماری شخصیت زدگی انتقاد می‌کرد. همین داشتن استقلال فکری، موجب شده بود که در

ارزیابی آرا و عقاید شخصیت‌های بزرگ به بهترین شیوه عمل نماید و هرگز از حد انصاف عدول نمی‌کرد و از انتقاد به بهانه بزرگی اشخاص و توانمندی علمی آنان در مواقع لازم سرباز نمی‌زد. به عنوان بهترین شاهد بر این مدعا، می‌توان به شیوه استاد در تفسیر مثنوی اشاره کرد. وی علی‌رغم علاقه فراوانی که به مولوی داشت، هیچ‌گاه خود را تابع بی‌چون و چرای وی نداشت و در ده‌ها مورد به تجزیه و تحلیل دیدگاه‌های مختلف ایشان پرداخت و در موارد زیادی اندیشه‌های صواب او را پذیرفت. ولی هرگز زیر بار پذیرش همه نظریه‌ها و دیدگاه‌های وی نرفت و در بسیاری از موارد نیز آنها را نقد و رد کرد.

توجه به مقتضیات زمان

علامه جعفری علاوه بر توجه به اتقان علمی مباحثی که مطرح می‌کرد، همواره به نیازها و شرایط و اقتضات زمان نیز توجه می‌کرد.

و تقریباً همه آثاری را که تألیف کرده است، با هدف پاسخ به نیازهای فکری روز جامعه به نگارش در آورده است. در دوره‌ای که آثار برتراند راسل به زبان فارسی ترجمه شد، ایشان با نقد برخی از آثار مهم وی، تلاش کرد تا ابعاد مختلف اندیشه‌های راسل را به دانش پژوهان نشان دهد تا آنان تحت تأثیر اندیشه‌های نادرست و منفی او قرار نگیرند. نیز در مواقعی که نظریه پردازان ماتریالیست، نظریه جبر را وسیله تبلیغ و ترویج افکار غلط خود قرار می‌دادند، استاد با بررسی همه جانبه مسأله جبر از سوء استفاده بی‌مورد آنان جلوگیری به عمل آورد. هم چنین در اوایل انقلاب اسلامی،

زمانی که مباحث ایدئولوژیکی در بین گروه‌های مختلف فکری رونق یافته بود، علامه با طرح مباحث گسترده مربوط به مسأله شناخت، نظریه‌های مربوط به اندیشه‌های مادی‌گری را مورد نقد و بررسی عالمانه قرار داد و نظریه مخصوص شناخت از دیدگاه قرآن و اسلام را تبیین کرد. در سال‌های اخیر نیز به موازات مطرح شدن مسائل مربوط به حقوق بشر و انتقاد به نظام حقوقی اسلام، در دفاع از حقوق اسلامی و نقد حقوق بشر مورد نظر غربی‌ها، به مقایسه تطبیقی حقوق بشر اسلامی و غربی پرداخت. و موارد نقص اصول حقوق بشر غربی را مشخص نمود و نقاط قوت حقوق بشر اسلامی را روشن ساخت و...

تواضع و فروتنی و ادب

از دیگر صفات بارز استاد جعفری، تواضع ایشان است. اصولاً عامل اصلی جذب و علاقه و ارادت افراد به علامه، افتادگی و برخورداری از روحیه فروتنی ایشان

بود. گرچه این امرگاهی سبب می‌شد که منزلت علمی و عظمت دانش و معرفت او ناشناخته بماند و در دیده افراد مانند یک انسان معمولی تلقی گردد، اما طولی نمی‌کشید که آثار برجسته علمی و نظریات سازنده و روشنگرانه‌ای که در محافل علمی ارائه می‌کردند، افراد متوجه روح عظمت وی می‌شدند. در مورد فروتنی استاد جعفری نیز حکایت‌های آموزنده فراوانی نقل شده



است. از جمله می‌گویند: روزی یکی از شاگردان استاد، به او می‌گوید: برادرم چند روز قبل به خدمت شما رسیده بودند، گویا به دلیل اشتلالات ذهنی، شما به او زیاد توجه نکرده بودید، لذا ایشان از شما بسیار دلخور شده‌اند. مرحوم علامه جعفری بسیار ناراحت می‌شوند و به منظور رفع این سوء تفاهم، به آن جوان نامه‌ای به این شرح می‌نویسند:

برادر عزیز!

پس از سلام، توفیقات شما را از خداوند سبحان مسئلت می‌دارم. شنیدم که یک شب در منزل ما بودید و من توجهی به شما نداشته‌ام. وقتی این قضیه را شنیدم، متأثر شدم. برادر عزیز! یقیناً بدانید که علاقه شدید من به کاروان دانش، خواه دانش‌آموز ابتدایی، یا دبیرستانی... احتیاجی به اثبات ندارد. اگر از روی بی‌توجهی و اشتغال فکری نتوانسته باشم، مراسم محبت را به جای بی‌اومد معذرت می‌خواهم. امیدوارم که

کم‌ترین تیرگی در دل راه ندهید. (۱۴)

وفای به عهد

علامه بزرگوار محمد تقی جعفری، در بین افرادی که با او محشور بودند به وفای به عهد و عمل به وعده‌ها مشهور بودند. دیده نشد که وی در یک مورد خلاف وعده و قراری که گذاشته است، رفتار کند. حتی نقل شده است یک روز مقرر شده بود در حضور استادان و دانشجویان در تالار کتاب خانه دانشگاه امام صادق (ع)، درباره انسان و جایگاه علوم انسانی سخنرانی کنند. استاد جعفری طبق معمول، زمانی که برای سخنرانی ایشان در نظر گرفته شده بودند، در جلسه حضور پیدا می‌کنند. پس از آن که مورد استقبال گرم حاضران قرار می‌گیرند، این بار بر خلاف همیشه استاد با چهره گرفته و مغموم در جایگاه خطابه قرار می‌گیرد و سخن خود را با نام خدا و شکر گزاری به درگاه ربوبی آغاز می‌کند و پس از چند دقیقه صحبت، با وقار و آرامش غیر قابل وصفی درگذشت فرزندش را به اطلاع حاضران می‌رساند و می‌گوید: چون هم اینک مراسم تشییع پیکر فرزندم شروع می‌شود اگر اجازه می‌دهید، از ادامه سخنرانی خودداری کنم و در آن مراسم حضور پیدا کنم... حاضران از شنیدن چنین پیشامدی بسیار متأثر می‌شوند و از این بابت که، علامه بزرگوار به احترام وعده‌ای که داده بود و به احترام حاضران در مجلس سخنرانی حاضر شده بودند، درس بزرگ و در عین حال تازه‌ای می‌گیرند... (۱۵)

علاوه بر آنچه بیان شد، استاد محمد تقی جعفری از اوصاف شایسته دیگری نیز برخوردار بودند که از جمله آنهاست:

- مردم دوستی و رسیدگی به مشکلات مردم؛

- زهد و ساده زیستی؛

- پرهیز از تجمل و رفاه گرایی؛

- التزام به قوانین اجتماعی؛

- سعد صدر؛

- گشاده رویی.

پی نوشت:

۱. ماهنامه رشد، ش ۱۱۳، ص ۵.
۲. همان، ص ۶.
۳. همان، ص ۶.
۴. مفاخر آذربایجان، ج ۲، ص ۷۶۲.
۵. آفاق مرزبانی، ص ۲۴.
۶. روزنامه اطلاعات، ۲۷ آبان، ۷۸.
۷. ماهنامه رشد جوان، ش ۷، سال چهاردهم شماره مسلسل ۱۱۳.
۸. فیلسوف شرق، ص ۱۲ و ۱۳.
۹. طایر گلشن قدس، ص ۱۵.
۱۰. یاد یار، ص ۱۲۱ و ۱۲۲.
۱۱. آفتاب حکمت، ص ۲، آبان ۱۳۷۸.
۱۲. کیهان فرهنگی، ش ۱۴۷.
۱۳. میراث ماندگار، ج ۱، ص ۱۰۲.
۱۴. تکا پوگر اندیشه، ص ۱۸.
۱۵. روزنامه اطلاعات، ۵ دی ماه ۱۳۷۷.